روزنه

برداشت غلط از ادبیات واعظی

جهانبخش خانجانی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

● سخنان اخیر رئیس دفتر رئیس‌جمهوری، درباره نسبت اصلاح‌طلبان و دولت روحانی، واکنش‌های سیاسی- رسانه‌ای را به‌همراه داشت. البته در ادامه، این موضع‌گیری‌ها، با پاسخ مجدد واعظی همراه شد. او مصاحبه قبلی‌اش را سوءبرداشت اعلام کرد و با تاکید بر اینکه بارها از همکاری اصلاح‌طلبان برای پیروزی دولت دکتر روحانی قدردانی کرده است، بر موضع اعتدالی دولت تاکید کرد و گفت: نه با اصولگرای تند و نه با اصلاح‌طلب تند هیچ ائتلافی نداشته‌ایم. در این خصوص ذکر نکاتی ضروری است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. آقای واعظی به دلیل آنکه در فرایندهای انتخاباتی و سیاسی کمتر حضور داشته‌اند و بیشتر در فضای دیپلماتیک و اقتصادی حضور داشته‌اند، نوع ادبیاتشان به‌گونه‌ای است که مجموعه سیاسی کشور را دچار ابهام کرده و به‌نوعی باعث سوءتفاهم شده است. صحبت‌های ایشان را درباره اینکه در انتخابات همراهی داشته‌ایم و ائتلافی نداشته‌ایم، شنیدیم. این‌جانب به‌عنوان کسی که در فضای انتخابات بودم، به یاد دارم که روی این واژگان که ما ائتلاف می‌کنیم یا همراهی می‌کنیم بحثی نمی‌شد. طبیعی است که برای هر انتخاباتی یک شرایطی مهیا می‌شود و فردی کاندیدا می‌شود و از جریانات مختلف سیاسی دعوت به عمل می‌آید و از آنها کمک خواسته می‌شود؛ برای مثال وقتی آقای شریعتمداری به‌عنوان رئیس ستاد انتخاباتی آقای روحانی انتخاب شدند، ایشان از همه جریانات سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرای معتدل هم دعوت کردند و از همراهی‌شان نیز استقبال کردند. اینکه به فرایند سیاسی دو یا چندین جریان سیاسی قبل از انتخابات مؤتلف شوند و سهم‌خواهی کنند، اصلا در فرایند انتخابات ما تاکنون سابقه نداشته است و در سایر انتخابات هم به این‌گونه بوده است. در سال۹۲ هم که ایشان گفتند فقط حزب اعتدال توسعه بوده به نظر می‌رسد گزارش غلطی به ایشان داده‌شده است؛ زیرا در همان انتخابات هم ابتدا آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کاندیدا بودند که بعد از اینکه ردصلاحیت‌شدن به دستور ایشان کلیه ستادهای انتخاباتی او برای حمایت از آقای روحانی عمل کردند و من هم در همان ستاد مرکزی با اینکه به‌هرحال شناسه‌ام اصلاح‌طلبی و اصلاح‌گرایی است فعال بودم و در کارگروه‌های تدوین برنامه‌ها عمده اصلاح‌طلبان بودند. به‌عنوان‌مثال در کارگروه تدوین سیاست داخلی، ۹۰ درصد افرادی که در آن کارگروه بودند، عمدتا از احزاب سیاسی اصلاح‌طلب بودند؛ درعین‌حال اساسا در سال ۹۲ بعدازاینکه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی به حمایت از آقای روحانی توصیه کردند، آن موقع بود که کل ستادها به حمایت از آقای روحانی پرداختند. بعد از نظرسنجی‌هایی که بین آقای عارف و آقای روحانی صورت گرفت، این جریان اصلاح‌طلبان بودند که وقتی دیدند آقای روحانی درصد بسیار کمی از آقای عارف بیشتر رأی دارد و از طرفی امید به حمایت اصولگرایان معقول بود، جریان اصلاح‌طلب به این جمع‌بندی رسید که از آقای روحانی حمایت کند و این حمایت هم سبب پیروزی آقای روحانی در انتخابات شد و درصدهای آرای انتخابات و اتفاقاتی که در ستاد انتخابات در آن زمان افتاد مؤید این است که اگر جریان اصلاح‌طلب نبود هرگز آقای روحانی به پیروزی نمی‌رسید و در انتخابات سال ۹۶ که خود من رئیس ستاد خبری انتخاباتی دکتر روحانی بودم و کمیته ستاد انتخاباتی ایشان دست من بود، بیش از ۹۵درصد خبرنگاران و اصحاب رسانه از اصلاح‌طلبان بودند؛ درنتیجه به نظر می‌رسد بیان این حرف‌ها کمکی به فرایند توسعه‌یافتگی ما و روند خدمت‌رسانی دولت به مردم نمی‌کند، بلکه یک نوع نگاه و گسست بین جریانات سیاسی حامی دولت ایجاد می‌کند. اگر نقدی از دولت است باید این نقد مشفقانه صورت بگیرد و اگر حمایتی است باید در چارچوب پروتکل‌های سیاسی باشد و به نظرم درحال‌حاضر زمانه‌ای نیست که به این مسائل دامن بزنیم و دولت باید زمینه پذیرش آرا و تمام تفکرات سیاسی را مهیا کند و حرف‌هایشان را بشنود آن‌وقت شاید آنها هم نظرهایی داشته باشند که به آنها باید به دیده احترام نگریسته شود و ضمن اینکه با اصولگرایان و اصلاح‌طلبان معتدل ارتباط دارند؛ ارتباط خوبی است اما این ارتباط هم باید در چارچوب فرایندهای حزبی باشد و در فرایندهای گفتمانی یک معنا و مفهوم سیاسی را متبادر کند.

واکنش ها به یادداشت اخیر سعید حجاریان

چه کسانی پشت تهیدستان پنهان می‌شوند؟

شرق: یادداشت اخیر سعید حجاریان با عنوان «آخرین راه راست» ناظر بر علل تقسیم جامعه ایران به دو طیف چهار درصدی و ۹۶ درصدی است؛ موضوعی که شاید نخستین‌بار عنوانش از زبان محمدباقر قالیباف بیان شد، اما پیشنیه‌اش را می‌توان در دو دهه اخیر مشاهده کرد. حجاریان در یادداشت اخیر خود می‌گوید که شقه‌کردن جامعه به دو بخش ۹۶ و چهار درصدی خاستگاهی مشترک دارد و حامل پیام‌های پنهانی برای مغشوش‌کردن ذهن ساکنان محدوده «انقلاب به پایین» است. او نتیجه چنین رویکردی را یک‌دست انقلابی‌شدن تمام شهر می‌داند. با چنین گزاره‌ای رسانه‌های اصول‌گرا سعی کردند که حجاریان را مروج و حامی طغیان اجتماعی معرفی کنند و بازهم به او اتهام خروج از نظام را بزنند؛ درصورتی‌که گویا آنها یا متوجه مفهوم یادداشت حجاریان نشده‌اند یا نخواستند که متوجه بشوند که سخن حجاریان ناظر به ایجاد یک دوقطبی مخرب در جامعه است. در بخشی از یادداشت اخیر که در سایت «مشق نو» منتشر شده، آمده است: «اساس این ایده -تقسیم جامعه به اقلیت و اکثریت اقتصادی- مبتنی‌بر قراردادن دو جنبش علیه یکدیگر است؛ در جنبش پابرهنگان علیه ثروتمندان، به‌صورت کور خواست اقتصادی و معیشتی پی گرفته می‌شود و در جنبش‌هایی از جنس دوم خرداد، به‌صورت هدفمند خواست سیاسی و دموکراسی دنبال می‌شود. چنانچه این دو جنبش در مقابل یکدیگر صف‌آرایی کنند، دموکراسی و سیاست و طبقه متوسط و متوسط به بالا جملگی بلعیده می‌شوند». در واقع نویسنده در تلاش است که چنین دو قطبی را تقبیح و نتیجه شوم آن، یعنی طغیان اجتماعی را یادآوری کند. این دیدگاه نه‌تنها نشانی از توصیه به انقلاب نیست، بلکه در نهاد خود نسبت به چنین موضوعی نگرانی عمیقی دارد. حجاریان می‌گوید وقتی که عده‌ای ازطریق موقعیت، پست و مقام یا رانت‌های خرد و کلان به ثروت‌های افسانه‌ای دست یافته‌اند و از سوی دیگر باتوجه به روند جاری و چشم‌انداز منفی، عده کثیری از مردم به‌دلیل مشکلات اقتصادی، ازجمله تحریم‌ها، شغل خود را از دست می‌دهند و به خیل فقرا می‌پیوندند و در نتیجه، طبقه متوسط هر روز کوچک‌تر می‌شود؛ طبیعتا افرادی که زمانی به‌اصطلاح دستشان به دهانشان می‌رسیده و اکنون به زیر خط فقر رانده شده‌اند، با تماشای اخبار مربوط به دستگیری یا احیانا فرار رانت‌خواران گمان می‌کنند، حقشان خورده شده است. او یادآور می شود که در چنین حالتی احساس کینه‌ورزی فقرا نسبت‌به ثروت‌های مشروع و غیرمشروع بالا می‌گیرد و تلفیق این کینه‌ورزی و حسرت انباشته‌شده می‌تواند به اشکال مختلف بروز کند و فرد به‌دلیل نپذیرفتن مسئولیت خود در وضعیت اکنونش دست به کنش می‌زند. با خوانش حجاریان وقتی کینه فقرا به اغنیا بالا می‌گیرد، محدوده «انقلاب به بالا» مانند غرب و غربی‌ها یا همان «دیگری» قلمداد می‌شوند و لاغرشدن طبقه متوسط، وحدت شهری را بر هم می‌زند و امکان بروز اغتشاش تهیدستان علیه ثروتمندان را شدت می‌دهد.

گزاره مطروحه در گفتار حجاریان یک عقبه تاریخی نیز دارد؛ تشدید فضای فقیر و غنی و احتمال طغیان در آینده ناظر به رفتار نیروهایی است که با سوءاستفاده از منابع ملی قبح فساد و رانت اقتصادی را شکستند و باعث شدند که بخش مهمی از منابع ثروت از دست طبقه متوسط خارج شود و این طبقه به جمع دهک‌های پایین اقتصادی برود. وقتی به تاریخ دودهه اخیر نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که از قضا کسانی باعث ایجاد چنین فضایی شدند، اکنون خود از منتقدان آن به شمار می‌روند. در واقع چنین نیروهایی علاوه‌بر آنکه باعث ایجاد یک بحران عظیم اقتصادی و به‌تبع آن اجتماعی شدند، اکنون از آن بحران، مناقشه‌ای تازه را ایجاد کرده‌اند و آن، ایجاد رویارویی فقرا علیه اغنیاست؛ موضوعی که حجاریان در یادداشتش به آن اشاره کرده است. نیروهای سیاسی خاص با دامن‌زدن به این موضوع جنبش‌های سیاسی و مدنی را نماد و نمود خوردگان حق فقرا معرفی می‌کنند و در تضادی مخرب سعی می‌کنند که خود را پشت این دوگانه پنهان کنند تا شاید همان طبقه کم‌توان اقتصادی فراموش کند که دلیل ایجاد فقر همان نیروهای معترض کنونی بوده‌اند. حجاریان برای گریز اصلاح‌طلبان از دامی که نیروهای خاص پهن کرده‌اند، یک پیشنهاد مهم می‌دهد؛ او می‌گوید: «شاید نیروهای برانداز هم از تقویت نیروهای حاشیه علیه متن استقبال کنند؛ چنانکه دیدیم دی‌ماه سال گذشته دونوع راست با اهداف متفاوت به یکدیگر پیوستند؛ ازاین‌رو، وظیفه اصلاح‌طلبان آن است که به سندیکاها و همچنین بی‌کارشدگان عطف توجه داشته باشند و آنها را زیر چتر حمایت‌های قانونی ببرند و به‌جد از صنعت‌زدایی و برهم‌خوردن وحدت ملی جلوگیری کنند».

در حقیقت این موضوع پیوند سازنده‌ای میان مدافعان جنبش‌های سیاسی و مدنی با محرومان اقتصادی که ازقضا تعدادشان کم هم نیست ایجاد می‌کند تا همان بحرانی که خود حجاریان به آن اشاره کرد تا حدی رفع شود. آنچه در کلیت این تحلیل مهم به نظر می‌رسد این است که به‌زعم حجاریان جناح راست با شدت‌گرفتن بحران‌های اقتصادی مانند تحریم‌ها سعی می‌کند که تهی‌دستان و بی‌کاران شهری را علیه ثروتمندان و حتی طبقه متوسط شهری بسیج کند و حکم به تقاص بدهد تا تقاص درماندگی خود را از دیگران بگیرند. مسیری که در آن به نام عدالت، عدالت ذبح می‌شود و به نام انقلابی‌گری ارزش‌های انقلابی در معرض نابودی قرار می‌گیرد. همان‌طور که گفته شد چنین خوانشی نه‌تنها تجویز انقلاب در ساختار سیاسی امروز نیست و نه‌تنها مردم را به طغیان دعوت نمی‌کند، بلکه نسبت به خطر طغیان اجتماعی هشدار می‌دهد و به مردم و نخبگان سیاسی متذکر می‌شود که چه کسانی در وقوع احتمالی آن مقصرند.

قالیباف بازهم با ۴ درصد جمله ساخت

شهردار اسبق ازکدام ۴ درصدی‌ها حرف می‌زند؟

شرق: دو سال از انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۶ می‌گذرد، اما محمدباقر قالیباف هنوز دست از جمله‌سازی با گزاره چهاردرصدی‌اش برنداشته است و به اشکال مختلف آن را طرح می‌کند؛ همان چهاردرصدی که به گفته برخی کارشناسان، در صورت صحت، نحوه مدیریت ۱۲ساله قالیباف و هم‌کیشانش بر شهر تهران در ایجادش بی‌تأثیر نبوده است. او در همایش کارنامه ۴۰سالگی انقلاب، دوباره گفته است: «می‌توان با کوچک‌کردن ساختار دولت بسیاری از کارهای را به مردم واگذار کرد، اما یک اقلیت چهاردرصدی که در همه‌جا حضور دارند، نمی‌گذارند کارها پیش برود. مسئولان امنیتی مانع اجرای کارها نیستند، بلکه چهاردرصدی‌ها مانع هستند».

یوسف اباذری، جامعه‌شناس، به‌تازگی در یک سخنرانی ضمن حمله به سیاست‌های پوپولیستی محمود احمدی‌نژاد و محمدباقر قالیباف گفته بود: «آیا آقای قالیبافی که این شهر را ۱۴ سال بر اصول نئولیبرالی می‌چرخاند، می‌داند در انتخابات ریاست‌جمهوری نباید بگوید چهار درصد و ۹۶ درصد. یا نمی‌دانی چه اجرا کرده‌ای، یا می‌دانی و داری دروغ می‌گویی... . می‌دانید تقریبا شدت نئولیبرال‌سازی در ایران بیشتر در دوره آقای احمدی‌نژاد بود». بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند سیاست‌های «مال‌سازی» دوران قالیباف یکی نمودهای بارز نئولیبرالیسم بوده است.

قالیباف در همان روزهای انتخابات نیز گفته بود: «مسئولان دولتی امروز و افرادی که تافته‌جدابافته‌ای از مردم هستند، همان بخش چهاردرصدی جامعه ما هستند. از ۹۶ درصد مالیات گرفته می‌شود، اما آن چهار درصد از زیر بار آن شانه خالی می‌کنند». یا گفته بود: «ما می‌توانیم با سرعتی ۱۰ برابر موجود حرکت کرده و ارزش افزوده را حداقل سه برابر بیشتر کنیم. در دولت مردم، اقتصاد را مردمی کرده و جلوی آن چهار درصد را خواهیم گرفت و از خرد جمعی استفاده خواهیم کرد»، یا «باید نظام بانکی‌ای را اصلاح کنیم که با سرمایه ۹۶درصدی مردم، فقط به چهار درصد مابقی وام می‌دهد»، یا «مردم از نظر ذهنی و از منظر اقتصادی احساس ناامنی می‌کنند. سرمایه مردم کجا می‌رود؟ به جیب چهاردرصدی‌ها. این را باید گفت و تکرار کرد تا مسئولان بدانند و بشنوند و درک کنند که مردم در شرایط سختی هستند». جایی دیگر هم گفته بود: «امروز تولیدکننده ما متضرر می‌شود و کارگاه‌های تولیدی بسته شده و به ورشکستگی می‌افتند، اما آن چهاردرصدی‌های رانت‌خوار هر روز بر ثروتشان افزوده شده و فربه‌تر می‌شوند».

قالیباف در حالی این سخنان را می‌گفت که گویا فراموش کرده بود خودش هم بخشی از همین مسئولان است؛ سال‌ها فرمانده نیروی انتظامی و ۱۲ سال شهردار تهران.

عباس آخوندی، وزیر سابق راه‌وشهرسازی، زمانی در واکنش به ادعای قالیباف گفته بود: «آنچه امروز از چهار درصد ثروتمند یاد می‌شود، یاری وفادارتر از قالیباف نداشتند». آخوندی گفته بود: «قالیباف چارچوب تبلیغاتی خود را این‌گونه بسته است که ملت ایران را به چهار درصد و ۹۶ درصد تقسیم کند و خود را غمخوار اکثریت و دولت را هواخواه اقلیت نشان دهد. حال آنکه فارغ از درستی و نادرستی این ادعا، واقعیت کاملا خلاف این مدعاست و آن چهار درصد یاری وفادارتر از ایشان در تاریخ نداشته است».

آخوندی به مدیریت ۱۲ساله شهردار تهران در پایتخت اشاره کرده و گفته بود: «۱۲سالی که ایشان شهردار تهران بودند، طلایی‌ترین دوران برای سوداگران بوده است تا با دست باز هر کاری که در تهران بخواهند، انجام دهند؛ تمام ظرفیت‌های زیستی نسل فعلی و آتی این شهر را معامله کنند و این شهر بی‌سامان را که در آن نه حرکت می‌توان کرد و نه زندگی، به وجود آورند که برای برون‌رفت از آن به صدها عاقل نیاز خواهد بود که آن را دوباره سامان بخشند». به گفته وزیر راه‌وشهرسازی، شهرداری قالیباف یکی از جولانگاه‌های اصلی همین گروه اندک است که ایشان از آنها نام می‌برد و حالا ژست مدعی گرفته است. البته اگر نقدی به آقای روحانی وارد باشد این است که چرا این مدت ایشان را تحمل کرد؟ واقعا چنین انتخاباتی صحنه نبرد گمراهی و آگاهی است. ولی‌الله سیف، رئیس سابق بانک مرکزی نیز پیش از این به این ادعای قالیباف واکنش نشان داده و گفته بود: «این برخوردها سیاسی بوده است. من عمرم را در نظام بانکی گذرانده‌ام و آشنایی کافی با نیروهای انسانی این مجموعه دارم؛ بنابراین از اظهارات آقای قالیباف تعجب کردم. ایشان به‌هرحال در شهرداری تهران کار می‌کند و من هیچ‌گاه چنین نگاهی را به شهرداری تهران و زیرمجموعه ایشان ندارم. از این رو، انتظار دارم با نگاهی دیگر به بانک‌ها توجه کنند. درحال‌حاضر شهرداری تهران یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران بانکی است و بدهی‌ای حدود پنج تا شش هزار میلیارد تومان به بانک‌ها دارد؛ یعنی خود شهرداری هم جزء چهار درصد است؟ تمامی پروژه‌هایی که شهردار تهران از آن سخن گفته و می‌گوید مترو، بزرگراه صدر یا امثال آن را در تهران ساخته و به بهره‌برداری رسانده است، از منابعی بوده که از طریق بانک‌ها تأمین شد؛ پس چرا اینها را اعلام نمی‌کنند؟». سیف با اشاره به عملکرد بانک شهر به‌عنوان مجموعه زیر نظر شهرداری تهران گفته بود: «در این بانک نیز همه اصول به‌درستی رعایت نشده و شاهد آن بوده‌ایم که شهرداری برای انجام عملیات خود، این بانک را مجبور به انجام اموری می‌کند که خلاف چارچوب نظام بانکی است. بااین‌حال حوزه نظارت بانک مرکزی همواره این موضوع را بررسی کرده و پیگرد قانونی داشته است. به دنبال مسائل مطرح‌شده، من خواستم در بانک مرکزی بررسی انجام شود که در نتیجه آن مشخص شد ۴۰ درصد از تسهیلات بانکی برای ۲۰۰ شخص حقوقی پرداخت شده که ازجمله آنها خود شهرداری تهران است».

حسام‌الدین آشنا:

آمادگی برخورد شدید با اعتراضات دی ۹۶ وجود داشت؛ اما یک نفر ایستاد و مسئولیت را برعهده گرفت

شرق: حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهوری، درباره تجمعات دی سال گذشته با ایسنا گفت‌وگو کرده است. او در این گفت‌وگو که قسمتی از آن به صورت ویدئویی منتشر شده است، نحوه برخورد با این تجمعات را پخته‌تر از تمام موارد مشابه در تاریخ جمهوری اسلامی می‌داند. آشنا همچنین از نیاز به اصلاحات سیاستی گفت. خلاصه این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید:

*درباره اعتراضات دی ۹۶، تحلیل‌ها متفاوت است. تحلیلی که برخی ارائه می‌کنند، این است که برخی فکر کردند دولت روحانی را می‌شود تضعیف کرد؛ اما درعین‌حال نظام را تضعیف نکرد؛ اما تجربه پنج دی ۹۶ نشان داد تضعیف دولت و تضعیف نظام در یک مسیر است.

*جرقه‌های اعتراضات دی ۹۶ هم قابل مطالعه و پیگیری است. من دی ماه ۹۶ را با خرداد ۸۸ مقایسه می‌کنم و می‌گویم که دو مدل برخورد شد و دو مدل نتیجه داد؛ چون خاستگاه‌ها فرق داشت، برخوردها هم متفاوت بود. آمادگی خیلی شدیدتری برای برخورد با این اتفاق در مقایسه با سال ۸۸ وجود داشت؛ اما یک نفر ایستاد و مسئولیت را برعهده گرفت. دولت جرئت چنین تصمیمی نداشت و یک نفر این تصمیم را گرفت.

*ریشه‌های اتفاقات ۹۶ همچنان وجود دارد؛ چون علل آن برطرف نشده و فقط زمینه‌های نزدیک آن برطرف شده است.

*درباره اطلاع دستگاه اطلاعاتی دولت قبل از اتفاقات ۹۶: هم اطلاع داشت، هم تحلیل داشت و هم اطلاع داده بود. من فکر می‌کنم چون آنها را داشتند، توانستند مدیریت کنند.

*تشابه اعتراضات ۹۶ با اعتراضات دهه ۷۰: زمینه‌های اقتصادی آن مشترک بود؛ اما زمینه‌های اجتماعی آن متفاوت بود. زمینه‌های اجتماعی ۹۶ خیلی عمیق‌تر بود و همان زمینه‌های اجتماعی که در دهه ۷۰ دیده نشده بود، تراکم پیدا کرد.

*نحوه برخورد حاکمیت با اعتراضات ۹۶ در مقایسه با همه تاریخ جمهوری اسلامی خیلی پخته‌تر بود.

*اگر در آن اتفاقات طرحی وجود داشت، طرح «اسقاط دولت» بود و اگر طرحی وجود نداشت، می‌توانست نظام زمین بخورد.

*زمینه ادامه اعتراضات وجود دارد. چاره‌ای نداریم جز اینکه اصلاحات سیاستی انجام دهیم و این اصلاحات به جز اینکه مردم احساس مشارکت کنند و احساس کنند که بخشی از حل مسئله هستند، شدنی نیست. مردم می‌توانند به حاکمیت اعتماد کنند؛ در شرایطی که احساس کنند حاکمیت به آنها اعتماد دارد. تا وقتی آن احساس وجود نداشته باشد، خیلی از اصلاحات ساختاری ما زمین خواهد ماند. من فکر می‌کنم خیلی‌ها در حاکمیت به این نتیجه رسیده‌اند که چاره‌ای جز این وجود ندارد.

*ما قبلا تصوراتی از سوپرقهرمان‌ها در «دولت‌داری» داشتیم. پدیده‌ای مثل احمدی‌نژاد از نظر من یک ابرقهرمان تلقی می‌شد؛ یعنی کسی که یک‌تنه می‌آید و همه مسائل را حل می‌کند. برگردید به سال ۸۴، او نه به روش‌های عادی؛ بلکه به روش‌های انقلابی می‌خواست مسائل را حل کند. بعد از آن دوران خیلی از کسانی که دل به احمدی‌نژاد بسته بودند، سرشکسته شدند و دیدند او هم یک فرد عادی است با همه اشتباهاتی که همه آدم‌های عادی انجام می‌دهند. یک عده به قالیباف دل بسته بودند که او یک رضاشاه اسلامی خواهد بود. کارنامه همه کسانی که خودشان را خیلی بزرگ جلوه می‌دادند، جلوی چشم مردم است. به یک معنا معلوم شد که ما خیلی نیاز به قهرمانان بزرگ نداریم یا اگر بخواهیم دقیق‌تر بگویم، قهرمان بزرگی وجود ندارد.

*ما نیاز به اصلاح سیستمی داریم. منظور من از اصلاح سیستمی این است که باور کنیم با همدیگر درباره مشکلات جدی، گفت‌وگوی معطوف به حل مسئله کنیم؛ نه گفت‌وگو برای گفت‌وگو. این‌گونه مشکلات را به گونه‌ای دیگر حل می‌کنیم.

*مدل دولت‌داری آقای روحانی این‌گونه بود که آدم‌های کهنه‌کار و ژنرال را بیاوریم. وقتی این افراد آمدند، متوجه شدیم که اینها آدم‌های خوبی هستند؛ اما متعلق به دو دهه پیش‌اند. مثل این است که روی یک کامپیوتر، ویندوز ۴ نصب کنیم که برای الان مناسب نیست. به تعبیری سیستم‌عامل باید تغییر کند.

*قطعا نیاز به یک پوست‌اندازی خیلی سنگین در سطح مدیران عالی و سیاست‌گذاران داریم. در چهار سال بعد به صورت طبیعی خیلی از افرادی که مسئولیت دارند؛ یا نیستند یا توان کار ندارند. آنها سنت‌هایی گذاشته‌اند که نسل جوان ما خیلی به این سنت‌ها قائل نیست؛ پس مجبور هستید دور هم نشسته و سنت درست کنید.

خبر

علیرضا رحیمی: دادستان کل کشور به موضوع فتنه ۹۸ ورود پیدا کند

● **ایسنا:** یک عضو شورای مرکزی فراکسیون امید استفاده برخی از کلمه فتنه ۹۸ را بهره‌گیری نابجا از بیانات رهبری دانست و گفت: «دادستان کل کشور باید به این موضوع ورود پیدا کند؛ چون این عبارات تنها برای مردم نگرانی ایجاد می‌کند». علیرضا رحیمی در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: «کسانی که از فتنه ۹۸ سخن می‌گویند، مشخصا آن را به تحرکات انتخابات ۹۸ ربط دادند که این اظهارات استفاده نابجا از بیانات رهبری و ایجاد دغدغه و نگرانی برای مردم است. آن هم در شرایطی که باید مقامات و افراد از تریبون‌ها برای تقویت همبستگی ملی و وجود نگاه واقع‌بینانه به آینده و نه نگاه بدبینانه استفاده کنند». او تأکید کرد: «اگر بخواهیم با نگاه بدبینانه وقایع را نگاه کنیم، نتیجه آن حرکت جامعه به سمت آشفتگی و اغتشاش است که این خلاف ذات استفاده از تریبون‌های رسمی است. مهم امنیت ملی در کشور ما است».

ثبت‌نام از رأی‌دهندگان قبل از برگزاری انتخابات

● **ایلنا:** سخنگوی وزارت کشور درباره ویژگی‌های لایحه قانون جامع انتخابات، گفت: در لایحه جامع انتخابات مجموعه قوانین انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس و شورای شهر و روستا به‌منظور سامان‌بخشیدن به قوانین پراکنده در عرصه انتخابات با یکدیگر تجمیع شده است. سلمان سامانی افزود: به‌منظور تأمین سلامت انتخابات در این لایحه برای نخستین‌بار تشکیل دفاتر ثبت‌نام رأی‌دهندگان در راستای شفاف‌سازی انتخابات و شناسایی و احراز هویت رأی‌دهندگان قبل از برگزاری انتخابات پیش‌بینی شده است. او گفت: مراجع پنج‌گانه به‌منظور تأیید شرایط اختصاصی و عمومی داوطلبان از حیث آشنایی با مسائل حقوقی، اجرائی، مدیریتی، علمی و قوانین و مقررات کشور به جهت شناسایی، انتخاب و تأیید داوطلبان کارآمد و برتر متناسب با اقتضائات و شرایط روز کشور و تعیین محدوده اعلام نظر هرکدام از مراجع مزبور تعیین شده است. سامانی افزود: حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی و مراکز تجمیع آرا، همچنین تعیین تعداد، نحوه انتخاب، حضور و فعالیت آنان در روز رأی‌گیری به‌منظور شفاف‌سازی بیشتر جریان انتخابات و تأمین بیشتر حقوق داوطلبان در این لایحه لحاظ شده است. افزایش مهلت بررسی صلاحیت داوطلبان و تبلیغات انتخابات کاندیداها از دیگر اقداماتی است که در این لایحه پیش‌بینی شده است.

تأیید دیدار اسماعیل بخشی با هیئتی از قوه قضائیه و مجلس

● **ایرنا:** وکیل‌مدافع «اسماعیل بخشی»، کارگر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه تأیید کرد که موکلش دیداری با نماینده دادستان کل کشور و نیز فراکسیون امید مجلس داشته است. فرزانه زیلابی درباره اینکه آیا هیئت تعیین‌شده از سوی دادستان کل کشور برای بررسی ادعای اسماعیل بخشی مبنی بر شکنجه در ایام بازداشت، با او دیداری داشته است یا خیر؟ گفت: این دیدار با یکی از اعضای هیئت تعیین‌شده از سوی دادستان کل کشور انجام شد و همه اعضای هیئت حضور نداشتند. در این جلسه، موکلم اظهارات خود را مطرح کرد و اظهارات او در صورت‌جلسه هم درج شد. زیلابی به جلسه برخی نمایندگان مجلس اشاره کرد و گفت: این جلسه، با حضور نمایندگان عضو فراکسیون امید انجام شد و موکلم اظهارات خود را مطرح کرد اما او تاکنون با هیچ گروه رسمی یا کمیته حقیقت‌یاب که از سوی مجلس یا دولت مشخص شده باشد، دیدار نداشته است.

بیانیه نهضت آزادی ایران درباره بودجه ۹۸

● **شرق:** نهضت آزادی ایران درباره بودجه سال آینده بیانیه‌ای صادر کرده و در آن راهکارهای پیشگیری از فساد سازمان‌یافته اقتصادی را ارائه داده است. در بخشی از این بیانیه آمده است: «تدوین قانون بودجه کارآمد و در راستای سلامت اقتصادی و نیز وصول به اهداف اعلام‌شده، منوط به طراحی کارشناسانه سیستم مالیاتی و اصلاح نظام اداری و بانکی است و این مهم، بدون اراده مؤثر ساختار کلان قدرت مشتمل بر سه قوه و نیز بدون موافقت سایر نهادهای حاکمیتی میسر نخواهد شد». در ادامه این بیانیه آمده است: «لایحه بودجه۱۳۹۸ به روزمرگی اقتصادی دچار بوده و مهم‌ترین اولویتش، پرداخت هزینه‌های جاری حقوق و دستمزد کارکنان دولت است. بودجه عمرانی در این لایحه رشدی نداشته و برخی پیش‌بینی‌های کارشناسی مبتنی بر آن است که بیش از نیمی از بودجه عمرانی محقق نخواهد شد و پرداخت این میزان نازل نیز به مدد سازوکارهایی مانند اوراق مشارکت مالی پیش‌بینی شده است که سررسید یک‌ساله الی سه‌ساله دارند. بنابراین روند منفی شاخص‌های رشد اقتصادی و افزایش آمار بی‌کاری، امری قابل پیش‌بینی است».

جمهوری اسلامی ایران
قوه قضائیه

فراخوان نوبت دوم مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید یک دستگاه الایزا پروسسور برای بیمارستان دادگستری

قوه قضائیه در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای خرید،حمل و نصب یک دستگاه الایزا پروسسور ۳ پلیت برای بیمارستان دادگستری به شماره (۲۰۰۹۷۴۸۱۳۰۰۰۰۱۳) را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی ، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. تاریخ انتشار مناقصه در سامانه تاریخ ۹۷/۱۰/۱۹ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت : ساعت ۸:۳۰ روزیکشنبه تاریخ ۹۷/۱۰/۲۳

مهلت زمانی ارسال پیشنهاد : ساعت۱۶روز پنج شنبه تاریخ ۹۷/۱۱/۴

زمان پازگشایی پاکتها : ساعت۹:۳۰ روزیکشنبه تاریخ ۹۷/۱۱/۷

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکتهای الف :

آدرس :تهران- بلوار کشاورز- نبش خیابان حجاب-خیابان یکم-ساختمان ستاد مرکزی قوه قضائیه-طبقه اول- اداره دبیرخانه

تلفن:۴۲۱۳۱۱۱۵

اداره کل پشتیبانی و خدمات رفاهی قوه قضائیه

م الف ۳۷۳۵